

درآمد: از امیر کبیر به ناصرالدین شاه: بی همتایی مادر شاه – در مقایسه با همسر دیگر محمد شاه، خدیجه – خدیجه نباید بی حضور شاه در طهران بماند – شاه قصد اردو دارد و امیر کبیر جزییات چادرها و خادمان شاه و مادر شاه را توضیح می دهد

GHIA 119

هو

قربان خاکپای همایون مبارکت شوم دستخط مبارک را زیارت کردم و عریضه نواب را هم خواندم. به دو جهة نواب در عرض خودشان ظاهر محق نیستند. اولاً مادر شاهنشاه روحنا فداه یکی است هم چشم ندارد می خواهد دختر کرد باشد یا ترک هیچ آفریده در این ملک هم چشم او نیست بی جهة برای خودشان هم چشم نتراشند. ثانیاً ماندن خدیجه در طهران بی حضور شاهنشاه ظاهر مصلحت نیست ایشان باید هر طور رضای شما و مصلحت ملک شماسست آنرا بخواهند در اردو سوای سرپرده پادشاهی ده چادر پوش و سرپرده تجیر دار هست معلوم است همه نوکر پادشاه هستند زنان هم در کنیزی والده شاهنشاه همین حکم را دارد و بعید نیست که این آمدن خدیجه را هم ایشان کل جزء بنده حمل کرده باشند. حال آنکه شاهنشاه خبردار و شاهد هستند که فدوی را در این امر استحضاری نبوده و نیست. باید مهدعلیا را ساکت فرمایند که هیچ در این سفر اینطور فرمایشات نفرمایند باقی الامر همایون

پانوش: هم چشم: برابر و مقابل و رقیب (دهخدا)

تجیر: پرده یا پارچه ی کلفت که برای چادر یا سفره به کار می رفت. (دهخدا)

خدیجه: خدیجه خانم چهریقی : همسر کرد محمد شاه بود که از او دو پسر هر دو هم نام عباس میرزای نایب السلطنه داشت – اولی در شش سالگی درگذشت. مهد علیا و ناصرالدین شاه چندان چشم دیدن خدیجه و (دومین) عباس میرزا را نداشتند.

اشاره ی این نامه به یکی بودن مهد علیا که همتایی نه از میان ترکان و نه از کردان ندارد، اشاره به کرد بودن خدیجه است.

عین این سند در کتاب نامه های امیر کبیر تدوین آل داود، ص ۱۹۳ آمده است. تنها دو تفاوت وجود دارد:

ظاهر مصلحت نیست ایشان باید هر طور آنجا : ظاهر مصلحت نیست هر طور

ایشان کل و جزء بنده حمل کرده باشند ... آنجا: ایشان کل و جزء به بنده حمل کرده باشند ...